

همزمان با آغاز هفته دفاع‌مقدس اکران مستند

سینمایی «کد ۷۰۰» به کارگردانی مینا قاسمی‌زواره و تهیه‌کنندگی فرید ابراهیمی در گروه سینمایی «هنروتجربه» آغاز شد. مراسم اکران ویژه فیلم مستند سینمایی «کد ۷۰۰» به کارگردانی روزا شهریوربا حضور سازندگان اثر، جمعی از هنرمندان، مسئولان کشور و

آغاز اکران مستند

«کد ۷۰۰»

دوربین‌ها به خط‌مقدم بروند

سینمای ایران باید در برابر روایت‌سازی هالیوود، حماسه مردم و مقاومت رزمندگان در جنگ‌های تحمیلی آمریکا و اسرائیل را به‌تصویر بکشد



به‌گونه‌ای همراه کنند که نه حادثه‌پردازی صرف غالب شود و نه فیلم جنگی‌شان خالی از عناصر ویژه این سینما یعنی دیگری مسلحانه و تعقیب و گریز یا صحنه‌های نبرد باشد. نخستین اثر این سبک‌وسپاق، فیلم «گذرگاه» در سال ۱۳۶۵ ساخته شهریار بحرانی بود و «کانی‌مانگا» در سال ۱۳۶۶ به‌کارگردانی سیف‌الله داد دومین‌گام در ساخت آثار سینمایی دفاع‌مقدس محسوب شد که با تکنیک و ساختار سینمایی خاص فیلم‌های جنگی ساخته شد.

فیلم «افق» درسال ۱۳۶۸ الگویی بود که از سوی بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان رکن اصلی سینمای هدایتی/حمایتی سال‌های دهه ۶۰، برای ساخت فیلم‌های دفاع‌مقدس ارائه گردید. در همین زمینه فیلم‌هایی همچون «آخرین شناسایی» (علی شاه‌حاتمی)، «سجاده آتش» (احمد مرادیپور) و «حماسه مجنون» (جمال شورجه) کل سینمای دفاع‌مقدس را در اوایل دهه ۷۰ تحت‌تاثیر قرار دادند و نوعی سازگاری مابین درونمایه‌های ارزشی فیلم دفاع‌مقدس و جذابیت‌های تکنیکی فیلم‌های جنگی معمول برقرار ساختند. در ادامه آنها آثاری همچون «حمله به اچ ۳» (شهریار بحرانی) و «دایره سرخ» (جمال شورجه) ساخته شدند و سبک مذکور را اعتلا بخشیدند اما احمدرضا درویش با فیلم «کیمیا» (۱۳۷۲) و سپس «سرزمین خورشید» (۱۳۷۵) سینمای دفاع‌مقدس را پس‌زمینه ژانرهای دیگر قرار داد و این نوع سینما را در عرصه‌ای نوین آزمایش کرد که با فیلم «دوتل» (۱۳۸۲) ادامه یافت.

دوقسم دیگر از سینمای جنگ یعنی «کمدی» و «ضد جنگ» از سال ۷۴ و با دو فیلم «لیلی با من است» و «نجات‌یافتگان» به سینمای دفاع‌مقدس راه یافت و اگرچه در مقاطع مختلف مورد توجه بود اما در ادامه نتوانست، آنچنان که شایسته دفاع‌مقدس مردم ایران بود، ادامه یابد اما به‌هر حال در تجربه‌های نخست خود، چندان غیر قابل قبول نبودند.

پرمخاطب‌ترین سینمای پس از انقلاب

سینمای دفاع‌مقدس از پرمخاطب‌ترین ژانرهای سینمایی بعد از انقلاب به‌شمار آمده است، چنانچه چهار فیلم از لیست ده‌تایی پربیننده‌ترین فیلم‌های سینمای این

اهالی رسانه و همزمان با آغاز هفته دفاع‌مقدس توسط گروه سینمایی «هنروتجربه» در پردیس سینمایی چهارسو برگزار شد. در ابتدای این مراسم مخاطبان با یک دقیقه سکوت و قرائت فاتحه به شهدای حملات صهیونیستی و آمریکا به‌کشورمان و همچنین شهدای هشت سال دفاع‌مقدس ادای احترام کردند. فیلم

مستند سینمایی «کد ۷۰۰» با نگاهی به جنگ ۱۲‌روزه روایت پدر و مادری است که روزه‌ها، چشم‌انتظار بازگشت پیکر پسرشان از جنگ هستند. فیلم مستند سینمایی «کد ۷۰۰» محصول مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و اداره کل فرهنگی شهرداری تهران است.



فیلم «کد ۷۰۰» در نمایشگاه سینمایی

تاریخ دفاع‌مقدس در این سرزمین بود، یعنی آنچه اغلب در دوره‌های پیش مغفول مانده و در واقع سینمای ایران به آنها بدهکار بود.

در این زمینه آثار بسیاری تولید و اکران شد یا در انتظار نمایش عمومی ماند. درباره سردارانی همچون شهدای گرانقدر باکری، همت، زین‌الدین، بروجردی، شیرودی، احمد کاظمی، صیاد شیرازی، علی هاشمی، حسن تهرانی‌مقدم، ابراهیم هادی و... فیلم‌هایی تولید شد و برخی هم پیش از تولید متوقف شدند!

اما به دلایل مختلف از جمله عدم تحقیق و پژوهش عمیق در زندگی سرداران، نداشتن درک صحیح از دفاع‌مقدس و شخصیت‌های معنوی و عرفانی رزمندگان‌ش و همچنین گرایشات شبه‌هالیوودی، متأسفانه اغلب این آثار بیش و پیش از ارائه تصویری واقعی و حقیقی از سرداران، به تحریف چهره و کاراکتر آنها منجر شدند.

علی‌رغم هزینه‌های کلان، این اتفاق در مواردی مثل فیلم‌های «آسمان غرب»، «احمد»، «قلب رقه»، «خدای جنگ»، «سینما متروپل»، «دسته دختران» و... افتاد. در فیلم «سینما متروپل» که ظاهراً درباره روزهای حصر آبادان بود، مقاومت قهرمانانه رزمندگان در دوران حصر به یک قصه عشق باسمه‌ای دختر و پسری به‌علاوه اد‌عای علاقه به سینما ـ که اساساً وجود ندارد ـ با جاشنی جعلیاتی که هیچ‌گاه در آن دوران وجود نداشته، تبدیل گردید.

فیلم «آسمان غرب» که‌به زندگی شهیدشیرودی می‌پرداخت، اثری آشفته از کار درآمد که هیچ ساختار و فرم درست‌ودرمانی نداشت و در آن علاوه‌بر فرم و ساختار به‌شدت ضعیف، شخصیت شهید شیرودی هم تخریب شده و آن شهید از یک قهرمان معتقد و به‌شدت دین‌باور به فردی مادی و احساساتی وی‌بنیادتبدیل گردید. همین اتفاق در موردفیلم «احمد» افتاد و علاوه بر ساختار درهم و آشفته و ضعیف فیلم، شخصیت لطیف و در عین حال قاطع شهیداحمد کاظمی به فردی مردود وعصبی بادوستان و یارانی قانون‌شکن وی‌بنی‌نامه تبدیل شد.

و در فیلم «خدای جنگ» نیز شخصیت (به‌فرمایش امام شهید) پارسا و بی‌ادعای شهید تهرانی‌مقدم به یک معامله‌گر برای دستیابی به فن ساخت موشک تبدیل شد که در مقابل به‌دست‌آوردن آن فن، حتی دخترش را تسلیم می‌کرد!

سریع‌ترین واکنش سینمایی

اما آثار سینمایی درباره دفاع‌مقدس ۱۲‌روزه در مقابل اسرائیل و آمریکا، سریع‌ترین واکنش سینمای ایران به وقایع بود که معمولاًپیش‌از آن دربرابرشان‌گویی اغلب‌انفعالی‌ابدی داشت! نخستین این فیلم‌ها، هفت ماه پس از واقعه فوق ساخته شدند که پنج فیلم از آنها در جشنواره چهل‌وچهارم فیلم فجر به‌نمایش در آمدند: فیلم‌های «نیم‌شب» (محمدحسین مهدویان)، «سقف» (ابراهیم امینی)، «قمارباز» (محسن بهاری)، «کافه سلطان» (مصطفی زراق کریمی) و «رقص باد» (سیدجواد حسینی) اگرچه به همه وجوه آن ۱۲ روز حماسی و عجیب نپرداختند اما به‌رحال روایاتی ولودر بستر آن وقایع و حوادث را به‌تصویر کشیدند. حالاسینمای ایران در انتظار آثار دفاع‌مقدس ۴۰ روزه و پس از آن است؛ درباره رهبر شهید و فرماندهانی که پای میثاق‌شان با خون خود ایستادند، درباره دانش‌آموزان میناب و ورزشکاران لامرد و ناوی‌های دنا و همه زنان و مردان و کودکانی که در این جنگ تحمیلی ۴۰ روزه جان و مال و هستی‌شان لگدکوب تجاوزات و خیانت‌های آمریکا و اسرائیل و اعوان و انصار اروپایی و منطقه‌ای‌شان گردید.

درساره حماسه‌های رزمندگان که همه هیمنه‌پوشالی ارتش ایالات متحده و اسرائیل را به‌گل نشاندند و آنها را به دریوگی توافق و بلغورکردن مدام هجویات و لاطانات کشاندند.

رویداد

ارجمند دبیر جشنواره

موسیقی نواحی شد

معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور حکمی دبیر هجدهمین جشنواره ملی موسیقی نواحی ایران را معرفی کرد. در جلسه همزمان شورای سیاستگذاری جشنواره موسیقی نواحی کشور و دوسالانه نقاشی ایران که آبان و دی سال جاری به میزبانی کرمان برگزار می‌شود، پیروز ارجمند حکم دبیری هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی کشور را از معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. ارجمند دارای مدرک دکتر ا در رشته موسیقی‌شناسی قومی، ردیف‌دان، آهنگساز و مدرس دانشگاه و پژوهشگر است که پیش از این سابقه مدیریت کلی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیریت دفتر موسیقی حوزه هنری، دبیری و ریاست چندین دوره از جشنواره‌های موسیقی فجر و موسیقی نواحی و عضویت در هیات داوران جشنواره‌ها و رویداد‌های معتبر موسیقی را در کارنامه خود دارد.

سال‌ها را آثار دفاع‌مقدس تشکیل داده و در صدر این لیست به‌عنوان پرمشاهگرتین فیلم سینمای سال‌های پس از پیروزی انقلاب، فیلم «عقاب‌ها» ساخته ساموئل خاچیکیان قرار دارد. اما متأسفانه آمار نشانگر آن است که از اواسط دهه ۷۰، تولید و ساخت فیلم در سینمای دفاع‌مقدس رو به افول نهاد و به بهانه‌های مختلف از قبیل این‌که دوران جنگ سپری شده یا هزینه تولید فیلم جنگی بالاست و تماشاگر هم آن را نمی‌پسندد، سال‌به‌سال از تعداد این‌گونه فیلم‌ها در چرخه تولید سینمای ایران کاسته شد.

آسیب‌شناسی سینمای امروز دفاع مقدس

از میانه دهه ۸۰ برخی فیلم‌ها ظاهراً در حیطه سینمای دفاع‌مقدس ساخته شدند اما متأسفانه برخی از آنها در خدشه‌دار نمودن ارزش‌ها و آرمان‌های دفاع‌مقدس تا آنجا پیش رفتند که حتی اصل آن را نیز زیر علامت سؤال بردند. این به‌اصطلاح جنگی‌سازها، بعضاً دو طرف جنگ تحمیلی را ـ یعنی هم متجاوزین صدامی و هم ملتی را که فقط از آب و خاک و دین و کشورش دفاع می‌کرد ـ در یک ترازو قرار دادند و با تقلید کورکورانه از سینمای ضد جنگ آمریکا و اروپا، سینمای ضد دفاع را ایجاد کردند که در هیچ سینمایی سابقه نداشت. یعنی دفاع از وطن و آب و خاک و خانه و خانواده را زیر علامت سؤال بردند! آثاری همچون ۱۳۵۹ (سامان سالورا)، خرس (خسرو معصومی)، آن سوی رودخانه (عباس احمدی مطلق) و... از جمله همین فیلم‌ها بودند.

بعضاً در میان این آثار موسوم به سینمای کمدی، لودگی هم غلبه کرد و زیر لوای طنز و مطایبه (البته با شوخی‌های سخیف) کل دفاع مردم ایران را به مضحکه کشاندند! فیلم‌هایی همچون «زمهریر»، «پیک‌نیک در میدان جنگ»، «طبل بزرگ زیر پای چپ»، «صددام» و... از همین دست آثار بودند.

سردارانی که نیاستی تحریف شوند

یکی از مواردی که در سینمای سال‌های اخیر اتفاق افتاد، توجه به زندگی سرداران و همچنین بزرگه‌ها و نقاط مهم

سینما

منوچهر هادی

برای بچه‌ها فیلم می‌سازد

فیلم سینمایی عروسکی «من جاسوزنی نیستم» در حال سیری کردن مراحل فنی است. سینمایی «من جاسوزنی نیستم» به‌کارگردانی منوچهر هادی و تهیه‌کنندگی علی خواجه، با انتشار فهرست کامل بازیگران، خود را برای حضور در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان آماده می‌کند. این فیلم ژانل عروسکی فضایی متمایز و فانتزی نسبت به دیگر آثار کارنامه این کارگردان دارد. همچنین پخش سینمایی این فیلم توسط فیلم‌پوانجام خواهد شد. داستان این فیلم ماجرای جست‌وجوهای پرانرژی دختر بچه‌ای به‌نام ساراست که به‌همراه عروسک محبوبش «دکمه» و خانواده‌اش، برای احیای کارگاه خیاطی پدر بزرگ و زنده‌کردن سنت‌های خانوادگی، در برابر مشکلات و چالش‌های مسیر ایستادگی می‌کند و داستانی پراز امید و نگاه‌روشن برای کودکان راست. یکتا ناصر، سوفیا هادی، علیرضا خمسه، بهنوش بختیاری، یوسف صیادی، یوسف تیموری، حسین عسکراوی، امین عسکراوی و شیفته خرمدل در این اثر به ایفای نقش پرداخته‌اند.



تئاتر

پیام معاون امور هنری ارشاد

خطاب به اکبر زنجانیپور

معاون امور هنری وزارت فرهنگ، پس از تماشای نمایش «جزیره» به‌کارگردانی اکبر زنجانیپور در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر، در یادداشتی از حضور این هنرمند پیشکسوت در صحنه تئاتر تجلیل کرد. مهدی شفיעی معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پس از تماشای نمایش «جزیره» به‌کارگردانی اکبر زنجانیپور در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر در یادداشتی حضور برخی هنرمندان در صحنه را فراتر از یک حضور معمول دانست. او در این یادداشت نوشت: بعضی حضورها فقط آمدن نیستند. آمدن یک خاطره‌اند، آمدن سال‌ها عشق و تجربه‌اند، آمدن بخشی از تاریخند. این شب‌ها، بر صحنه چهارسوی تئاتر شهر، حضور استاد اکبر زنجانیپور، بیش از آن‌که یک حضور هنری باشد، شبیه دیدار دوباره با بخشی از جان تئاتر ایران است؛ با هنرمندی که سال‌های بسیاری از عمر خود را پای صحنه گذاشت و از صحنه، خانه‌ای برای هنر و حقیقت ساخت. چهارسو، با تمام خاطراتی که در خود دارد، این شب‌ها شاهد ایستادن مردی است که نسل‌هایی با صدا، بازی و نگاهش به تئاتر بزرگ شده‌اند. استاد زنجانیپور، چه خوب که هنوز چراغ صحنه با حضور شما روشن است.



سیدمستفائی مستندساز و کارشناس سینما

جنگی مدنظر قرار گیرد و اولین فیلم‌های از این‌دست که در سال‌های نخستین جنگ تحمیلی تولید شدند، لمغمه‌ای از این دو الگو بودند.

«مرز» (جمشید حیدری) و «برزخی‌ها» (ایرج قادری) نخستین این فیلم‌ها بودند که برداشت نعل به نعل از فیلم‌های مشابه غربی در حادثه‌پردازی و قهرمان پروری را روی پرده بردند و با توجه به احساسات میهن‌پرستانه غالب بر جامعه در ابتدای جنگ، اکران عمومی موفقی هم داشتند.

اما در کنار این دسته فیلم‌های جنگی، آثاری درباره جنگ تحمیلی جلوی دوربین رفتند که به‌جای حادثه‌پردازی و تأکید بر درگیری‌های فیزیکی، به روحیات ویژه رزمندگان ایرانی می‌پرداختند و براساس فرهنگ اعتقادی و معنویات خاص جبهه‌ها، فضایی ویژه به‌وجود آوردند که باآن سینمای رایج جنگ، اختلاف فاحش داشت؛ همانند تفاوت اساسی جهاد آرمانی رزمندگان ایرانی با سربازان مزدبگیر خارجی. از همین‌روی، بحق نام «سینمای دفاع مقدس» را به‌خود گرفت. فیلم‌سازانی که این‌گونه سینمای جنگ را در کادر دوربین‌های‌شان قرار دادند، تلاش داشتند با نمایش حداقلی یا در پرده نشان دادن درگیری‌های جنگ، به روحیات رزمندگان اسلام راه پیدا کنند؛ روحیاتی که براساس اعتقادات محکم قلبی، ره به عوالم الهی و قدسی پرده و فضایی زیبا از معنویت و ارتباطات معنوی خلق می‌نمود. فیلم‌هایی چون دیار عاشقان (حسن کاربخش)، کیلومتر پنج (حجت‌الله سیفی) و پیشتاژان فتح (ناصر مهدی‌پور) نخستین تلاش‌ها در این مسیر بودند که تاحدودی خام‌دستانه و تجربی به‌نظر می‌رسیدند. رسول ملاقلی‌پور نیز با دو فیلم «سقای تشنه‌لب» و «نیوا» در اوایل دهه ۶۰، سعی کرد فضای معنوی این آثار را تقویت بخشد اما فیلم «پرواز در شب» او در سال ۱۳۶۵ نقطه عطفی به‌شمار می‌آمد که برای اولین بار با نمایش تضاد و درگیری‌های درونی رزمندگان ایرانی و ابعاد مختلف روحیات آنها در ظرفیت‌های گوناگون، بعد جدیدی از مسائل مبتلا به این افراد را به‌تصویر کشید.

ابراهیم حاتمی‌کیا در «مهاجر» یا «دیده‌بان» و رسول ملاقلی‌پور در فیلم‌های «سفر به جزایر»، «هیوا»... و همچنین آثاری مانند «انسان و اسلحه» (مجتبی راعی)، «عبور» (کمال تبریزی)، «تا مرز دیدار» (احسین قاسمی جامی)، «در جستجوی قهرمان» (جمیدرضا آشتیانی‌پور) و... در ادامه آن و با همین حال‌وهوا ساخته شدند تا سینمای دفاع‌مقدس قوام یافته و گسترش یابد. پس از آن، این سینما تکامل یافت و در فیلم‌هایی همچون «هور در آتش» (عزیزالله حمیدنژاد)، «تویی که نمی‌شناختم» (محمدابراهیم سلطانی‌فر)، «چشم شیشه‌ای» (حسین قاسمی‌جامی) و... در راستای نمایش فرهنگ ویژه دفاع‌مقدس مردم ایران با تمهیدات تصویری مناسب و نو به عرصه آمدند.

ترکیب دفاع‌مقدس و آثار جنگی

گروهی دیگر از سینماگران دفاع‌مقدس سعی کردند این فضاهای عرفانی را با جذابیت‌های سینمای کلاسیک

فرهنگ

یادداشت

دکتر موسی نجفی |استادتمام علوم سیاسی

روایت مسخ شده

تهدید واقعی را پنهان می‌کند

درباره این‌که چگونه می‌توان سایه جنگ و تهدید نظامی را از سر کشور دور کرد، دو دیدگاه وجود دارد. یکی از این دیدگاه‌ها، منطقه‌تر و قابل تأمل‌تر است؛ همان تحلیلی که آقای دکتر متکی از رهبر انقلاب نقل کرده: «سایه جنگ از کشور دور می‌شود وقتی دشمن به این جمع‌بندی برسد که توان غلبه بر ایران را ندارد». آمریکا تا زمانی که تصور کند از ایران قوی‌تر است، ممکن است به فرصت‌سازی بپردازد. اگر امروز دست به حمله نمی‌زند، یکی از دلایلش تردیدی است که از نتیجه اقدامی دارد و برآمده از توان نظامی، ظرفیت تاب‌آوری و قدرت بازدارندگی ایران است. از طرف دیگر، راه دور کردن جنگ در این بزنگاه سرنوشت‌ساز نه پناه بردن به دیپلماسی است و نه برچسب تندرو بودن و جنگ‌طلب زدن به مدافعان راستین کشور! جنگ نه شعر است و نه رویا. صلح شرافتمندانه در این بازه زمانی اتفاقا چنین معنایی پیدا می‌کند: شما باید که جنگ‌طلب هستید. چون غرب، استعمار و آمریکا را نشناخته‌اید و در این زمینه درست کنکاش نکرده‌اید. زیرا نگاه خودمرکزپندار و از بالا به پایین، تجاوز و ازخود بیگانه کردن نسل‌ها و فرهنگ‌ها، بهره‌کشی از دیگر کشورها و... خوی پایدار استعمار است. صلح‌طلبی شرافتمندانه یعنی ایران هسته‌ای، براساس تجربه اخیر مطمئن باشید هرچه قدرت بازدارندگی کشور بیشتر باشد، احتمال طمع‌ورزی و ماجراجویی دشمن کمتر می‌شود. مسأله بازدارندگی منحصر به نیروهای مسلح نیست، بصیرت و انسجام اجتماعی مردم در کنار قدرت نظامی به بازدارندگی کشور توان مضاعف می‌بخشد و طمع دشمن وقتی رنگ می‌گیرد که حس کند روایت جامعه تغییر کرده، بصیرت بنابر هر دلیلی درخشش سابق را ندارد و ملت مبعوث شده به‌تدریج دارد به حاشیه می‌رود و بصیرت از هم‌افزایی فاصله گرفته. بصیرت می‌تواند ملت مبعوث شده را تقویت کند و پشتوانه‌ای قابل اتکا برای نیروهای مسلح بسازد تا سایه جنگ را از ما دور کنند ولی بی‌بصیرتی و ادبیات نابهنگام نرمش‌گرا مثل این‌که صلح شرافتمندانه می‌خواهیم و... باعث می‌شود روایت اصلی، بنیادین و مهم گم شود و مسخ گردد. در چنین فرآیندی، کسانی که در برابر تجاوز ایستاده‌اند، مداخله منافع ملی دانسته و معرفی نمی‌شوند بلکه به‌عنوان «تندرو» و «جنگ‌طلب» برچسب می‌خورند. با دوگانگی روایت ممکن است دشمن نشانه ضعف دریافت‌کند و دوباره آشکارا به طمع‌ورزی رویاورد. اینجاست که خطر «روایت مسخ شده» شکل می‌گیرد؛ روایتی که جای مسأله اصلی را عوض می‌کند. به‌جای آن‌که پرسش اصلی این باشد که چگونه باید در برابر تهدید ایستاد و دست‌زد و جانی را کوتاه کرد، گفته می‌شود: «شما زیادی حساس هستید. قدرت‌های فرامنطقه‌ای چون مدت‌هاست در این محله انداخته‌با حساب می‌آیند و شناس هستند! حتی شاید این آمریکای همیشه‌دزد آن‌قدرها هم بد نباشد!» اما منطق عقلا چیز دیگری می‌گوید: «اگر احتمال تهدید وجود دارد، باید درب خانه را محکم بست، دزدگیر کارآمد داشت و از دارایی خود حفاظت کرد». حفاظت از منافع ملی، تحریک دشمن نیست؛ ایجاد بازدارندگی برای بازداشتن او از تعرض است. تجربه اخیر برخی کشورها مانند عراق و ونزوئلا که منافع اقتصادی و راهبردی آمریکا در تصمیمات و اقدامات مداخله‌جویانه‌اش نقش داشته در مواجهه با سیاست خارجی آمریکا روشن است. مسأله این است: هزینه تجاوز را چگونه باید بالا برد تا جایی که دشمن از هرگونه اقدام نظامی منصرف شود. دشمن را زمانی می‌توان از طمع انداخت که بداند درب خانه محکم است، صاحبخانه بیدار است و دست‌اندازی به منافع و امنیت آن نه‌تنها بدون هزینه نخواهد بود بلکه بازخوردی پشیمان‌کننده و عبرت‌آموز دارد.